

ضرورت تصحیح

نسخه‌های خطی متون پارسی

(نمونه موردی «تصحیح نسخه خطی رساله ذخیره اسکندر ذوالقرنین»)

جهانگیر کریمی کاکاوند، مهدی کدخدای طراحی



چکیده

تصحیح و احیای میراث علما و فضایی ادوار گذشته که به صورت نسخه‌های خطی در کنج کتابخانه‌ها مهجور مانده‌اند؛ یکی از بهترین مشخصه‌ها برای آگاهی از پیشینه ی فرهنگ اقوام و بازگوکننده ی حلقه‌ای از میراث فرهنگی ایران و جهان اسلام هستند. آثار و دست نوشته‌های گرانبها و نسخه‌های خطی، حلقه اتصال گذشته و آینده و میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی هستند که حاوی موضوعات گوناگون شاخه های مختلف علوم بوده، و باید به عنوان اسناد کهن دانش‌های بشری مورد توجه ویژه قرار گیرند تا ارتباط علمی نزدیکی بین مردم هر دوره باسطوح علمی مختلف و سابقه‌ی علمی-ادبی و تاریخی دیارشان برقرار گردد. این اسناد به ظاهر خاموش، به صد زبان واگویی گذشته اند و از فرهنگ و اندیشه ی دیروز سخن می گویند. اهمیت چنین دانش‌هایی، نویسندگان این پژوهش را بر آن داشت تا ضمن معرفی یکی از رساله های ارزشمند خطی با عنوان ذخیره اسکندر ذوالقرنین که موضوع آن علوم غریبه است؛ با هدف به دست آمدن متنی صحیح و منقح، بر اساس تک نسخه ی موجود در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ی ثبت ۱۲۵۵۹، انتخاب و به تصحیح و تحشیه آن بپردازند. ابتدا متن نسخه بازنویسی شده و سپس مقدمه‌ای درباره اهمیت

واژه‌های کلیدی: تصحیح آثار ، نسخه ی خطی ، ذخیره اسکندر ذوالقرنین، علوم غریبه.



و ضرورت تصحیح نسخه‌های خطی ذکر شده است، در ادامه نیز ویژگی‌های املائی، زبانی و سبکی اثر، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مقدمه

تمدن هر قومی مایه‌ی سربلندی و ارزشمندی آن قوم است. هر چه پیشینه قدیمی‌تر باشد، فرهیختگی آن ملت بیشتر خواهد بود. برپایی یک جامعه‌ی فرهنگی، وابستگی بی‌واسطه‌ای با ادبا، علما و بزرگان دانش دوست آن دارد. سرزمین ایران خاستگاه یکی از قدیمی‌ترین تمدنهای بزرگ جهان است. پس از اختراع کاغذ و رواج استفاده از آن در حوزه‌ی تمدن اسلامی، دانشمندان ایرانی، بزرگترین آفرینندگان منابع مکتوب تمدن ایران و اسلام بودند و در همه‌ی زمینه‌های علمی و ادبی، صاحب آثار درجه اول هستند. از جمله با ارزش‌ترین منابع میراث مکتوب تمدن ایرانی و اسلامی، نسخه‌های خطی و دست‌نوشته‌ها هستند. نسخه‌های خطی، حلقه‌ی اتصال گذشته و آینده و میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی هستند. این اسناد به ظاهر خاموش، به صد زبان، واگویی‌ی گذشته‌اند و از فرهنگ و اندیشه‌ی دیروز سخن می‌گویند.

۲. اهمیت و ارزش نسخه‌های خطی

نسخه‌های خطی، به عنوان میراث مکتوب فرهنگی گذشتگان، حاوی اطلاعات وسیعی در حوزه‌های مختلف علوم بوده و ارزش فوق‌العاده‌ای در بررسی روند تاریخ علم، فرهنگ و تمدن، در ایران و اسلام دارد. هرآنچه که متعلق به ادوار گذشته است به میزان قدمتی که دارد، ارزش پیدا می‌کند و ماهیت موزه‌ای و فرهنگی به خود می‌گیرد. نسخه‌های خطی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. اطلاع از وجود نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های جهان و نیز دسترسی به آنها برای پژوهشگران، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که راه را برای احیاء و تصحیح و انتشار این نسخه‌ها هموار می‌کند. کتابخانه‌ها که حافظان نسخه‌های خطی هستند، معمولاً با انتشار فهرست عناوین نسخ خطی و ارائه مشخصات کتاب‌شناختی و نسخه‌شناسی و تهیه عکس یا میکروفیلم، دسترسی پژوهشگران حوزه نسخه‌های خطی را به این نسخه‌ها میسر می‌سازند. با پیشرفت فناوری و گسترش پدیده‌ی اینترنت، تحول بزرگی در همه‌ی زمینه‌های دانش بشری و از جمله پژوهش‌های نسخه‌شناسی پدید آمده است. عمده‌ترین تحول در این زمینه، انتشار فهرست نسخ خطی، در فضای اینترنت است. تحولی که در تفکر حافظان نسخ خطی به وجود آمده، اینست که نسخه‌های خطی را، علاوه بر ارزش موزه‌ای، دارای ارزش علمی و پژوهشی می‌دانند و سعی می‌کنند شرایط را برای دسترسی آسان‌تر پژوهشگران به نسخه‌های خطی فراهم کنند.

نجیب مایل هروی در این باره می گوید: «این آرمان میسر نمی شود مگر بر اثر شناخت پسندهای خوش و ناخوش مادی و معنوی پیشینیان، شناختی اعتقادی و به همان صورت که گذشتگان آنها را وضع کرده و با آنها زیسته اند، نه به گونه ای که گذشت روزگاران بر آنها غبار تحریف و دگرگونی افشاندند است. به لحاظ اینکه بسیاری از پسندهای مزبور، در تاریخ تمدن هر جامعه ای که دارای زبان و خط خاص خود بوده اند- به صورت آثاری مکتوب تجلی کرده و به نسل های روزگاران بعد رسیده، احیای آن آثار یکی از راه هایی است که شناخت مذکور را تضمین و تأمین می کند، و هر چند این شناخت قرین عین و صواب باشد، مسلم است که سودمندتر تواند بود. به همین منظور، از دیرگاهی دانایان و فرزندان هر جامعه و تمدنی، به نکته ای پرداخته اند که در روزگار ما از آن به «نقد و تصحیح متون» تعبیر می شود. نکته ای که نمی توان بی مدد آن، گذشته، گذشتگان و آرا و عقاید و چونی و چندی ضعف و قوتشان، و به طور کلی، تاریخ فرهنگ را آن گونه که بوده است، نه آن سان که شده است، باز شناخت». (مایل هروی، ۱۳۷۹، ۳۷۹)

بنابراین مصحح نسخ خطی وظیفه دارد با آگاهی از ضوابط علمی و رعایت امانتداری، به کمک نسخه های موجود و منابع دیگر، اغلاط و کاستی های متن را تصحیح و ترمیم کند و آن را به همان شکل اصلی که از زیر دست نویسنده بیرون آمده است، برساند و یا لاقلاً به صورت اصیل خود نزدیکتر کند.

۳. ضرورت تصحیح و بازنویسی نسخه های خطی

دست نویس های بازمانده از سده های گذشته مشتمل بر فواید گوناگون ادبی و تاریخی فراوان و بر طرف کننده ای ابهامات بسیاری از متون نظم و نثر فارسی هستند. از آن رو که تعداد زیادی از نسخه های خطی هنوز در معرض تصحیح و تحقیق قرار نگرفته، برای دستیابی به آگاهی های دقیق از احوال و آثار گویندگان و نویسندگان دوره های مختلف ادبی فارسی، نخستین گام، شناسایی و تصحیح آن نسخ خطی است. تصحیح بر مبنای نسخه ی اساس، بهترین و معتبرترین کار است ولی برای این کار باید اصیل ترین و صحیح ترین نسخه را شناسایی کرد. در این روش، اساس همان نسخه ای است که خود برگزیده ایم. حتی کلمات نامأنوس نیز باید همان گونه بیاید و به ندرت، نسخه های فرعی را در متن دخالت داد. عمده ی اشکالات و اشتباهات در نسخه های خطی، از آنجا ناشی شده است که اغلب کتاب ها و نوشته ها با دستخط خود مؤلف انجام نگرفته، بلکه بواسطه کاتبان و استنساخ کنندگان انجام پذیرفته است و بیشترین و بزرگترین اشتباهات و نادرستی ها از همین جا وارد متن شده است. از این گذشته، مرور زمان و تغییر و تحولات علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که نسبت به زمان تألیف متن حادث شده، احتمالاً معانی واژه ها و اصطلاحات را دستخوش دگرگونی کرده است و در نتیجه، کاتبان جدید اگر اصطلاح یا

واژه‌های را هم‌ساز و آشنا با زبان علمی و محاوره‌ای دوره‌ی خود نیافته‌اند، تغییراتی در آن اعمال کرده‌اند تا به فهم عمومی زمانه نزدیکتر نمایند.

نسخه‌های خطّی به دلیل کثرتشان، نماینده‌ی عظمت تمدن ایرانی و اسلامی هستند و تصحیح این نسخ، راهی است برای به دست آوردن اطلاعات منحصر به فردی از متون کهن، و تا زمانی که همه‌ی نسخه‌های خطّی (که شامل هزاران نسخه پارسی است) تصحیح نشده‌اند، قضاوت درباره‌ی دستور تاریخی، سبک شناسی و برخی علوم ادبی، قضاوتی نسبی خواهد بود. بنابراین، هر اهمیاتی برای تصحیح آنها، اقدامی شایسته و درخور توجه است و ما را برای داشتن چشم‌اندازی صحیح از سیر تحول زبان فارسی در همه‌ی حوزه‌ها آگاه می‌کند.

برپایه‌ی همین نظر که احیای نسخه‌های خطّی، خدمتی به آیندگان و ادای دینی به گذشتگان است، به تصحیح نسخه‌ی خطّی رساله‌ی «ذخیره‌ی اسکندر ذوالقرنین» پرداخته شد. پس از تهیه تک نسخه‌ی خطّی رساله از کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، به جستجوی آثاری که با موضوع تصحیح و تعلیقات نسخ خطّی وجود داشت و نیز به مطالعه درباره‌ی چگونگی تصحیح متون و نسخ خطّی پرداخته، چند کتاب و مطلب پیرامون تصحیح نسخ خطّی، از قبیل: نقد و تصحیح متون، اثر نجیب مایل هروی و راهنمای تصحیح متون، اثر جويا جهانبخش و مطالبی دیگر مطالعه و نکات مهم یادداشت گردید.

در ابتدا، متن رساله بازنویسی شد. سپس با گسترش مطالعه خود، به تحقیق درباره‌ی نویسنده، سال کتابت و موضوع رساله پرداخته شد. تصحیح این اثر، بر اساس تک نسخه‌ی موجود در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره‌ی ثبت ۱۲۵۵۹ در کتابی با عنوان «مجموعه رسائل مختلفه در رمل واسرار قاسمی» صورت گرفته است و علیرغم تحقیق و جستجوی بسیار در باره‌ی کاتب و مترجم رساله‌ی مذکور، راه به جایی نبرده و در هیچ منبعی بدان اشاره نشده بود. در ادامه‌ی کار تصحیح، پس از بازخوانی متن، به منظور تسهیل و یاری کردن به خواننده، واژه‌های دشوار و اصطلاحاتی که نیاز به توضیح بیشتری داشتند، با مراجعه به لغت نامه دهخدا و در برخی موارد و بیشتر به منظور رفع ابهام و فهمیدن اصطلاحات خاص علوم مختلف؛ به فرهنگها و منابع دیگر، آنها را استخراج کرده، ابهامات برطرف یا توضیح داده شده است.



۴. معرفی نسخه‌ی خطی ذخیره اسکندر ذوالقرنین

۴-۱- مشخصات ظاهری رساله

رساله‌ی ذخیره اسکندر ذوالقرنین تک نسخه‌ای که در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۲۵۵۹ ثبت شده است؛ در کتابی با عنوان «مجموعه رسائل مختلفه در رمل و اسرار قاسمی» به زبان فارسی، گرد آمده است. قطع آن رحلی، خط نستعلیق به شیوه هندی، سرفصل‌ها و عناوین با مرکب قرمز نگاشته شده است. دارای ۷۱ صفحه و هر صفحه دارای ۲۳ سطر است. تاریخ کتابت آن به طور دقیق مشخص نیست. ولی با توجه به تاریخ کتابت نسخه‌هایی که در مجموعه‌ی یادشده وجود دارد می‌توان نتیجه گرفت در قرن ۱۲ هـ.ق تحریر شده است. هم‌چنین این رساله دارای ۳۳ تصویر بوده که با قلم قرمز متناسب با موضوع طراحی شده‌اند. در کنار اغلب تصاویر اوراد و حروفی - که خاص دعا نویسان است - نوشته شده است. متن نسخه دارای رکابه است؛ یعنی یک واژه از ابتدای صفحه‌ی بعد در حاشیه‌ی انتهایی صفحه‌ی قبل کتابت شده است. این کار در حقیقت نوعی شماره‌گذاری محسوب می‌شده است.

۴-۲- محتوای نسخه

در معرفی این کتاب آمده است^۱: رساله ایست درباب علوم غریبه و کیمیا و کیمیاگری، اصول و صنعت اکسیرات، ترکیب انواع سم‌ها و تریاقات، انواع طلسم‌ها، خواتم کواکب هفتگانه و... که توسط انطیوخوس یونانی، شاگرد اسکندر ذوالقرنین نگاشته شده و در مقدمه آن آمده: چون معتصم بالله (هشتمین خلیفه عباسی) عموره^۲ فتح کرد؛ به او گفتند در آنجا دیربست منسوب به انطیوخوس شاگرد اسکندر ذوالقرنین. انطیوخوس این دیر را خود بنا کرد و گرد آن را حصار کشید و به منظور محافظت از آن، قومی را ساکن کرد که خدمت آن دیر کنند که به گمان اهل دیر، در آن خانه چیزی از آیات و نشانه‌های انبیاء و آثار ایشان محفوظ است. معتصم چون این بیت (خانه) را تصرف کرد، به ساکنان آن پیام فرستاد که اگر در این دیر، چیزی از آثار انبیاء وجود دارد ما را به آن تمایلی نیست و تعرض به آن نخواهیم کرد ولی اگر در آن امته یا مالی وجود دارد چه فایده‌ای دارد زیرا صاحبان آن اکنون در خاک خفته‌اند و بهتر است در آن گشوده شود. آنها نامه‌ی معتصم را برای کسب اجازه به نزد شاه روم فرستادند و پس از اجازه، در بیت باز شد و عبدالملک بن یحیی صاحب برید و علی بن احمد و محمد بن خالد مهندس داخل آن شدند ولی هر چه گشتند چیزی نیافتند تا آنکه تصمیم به بازگشت گرفتند و به نزد معتصم

۱. مطالب ارائه شده، برگرفته از متن نسخه‌ی تحقیق یعنی ذخیره اسکندر ذوالقرنین می‌باشد.

۲. شهرکی است در ساحل نهر عاصی، در بین فامیه و شیزر در خاک روم که این خلدون در بحث جغرافیایی خود، آن را در شمال بخش پنجم اقلیم پنجم یاد کرده و نام این شهر را به عموره بنت‌الروم بن الیفزین سام بن نوح نسبت داده‌اند.

آمدند و ماجرا را به او گفتند. معتصم به خواب شد و در خواب مأموز را دید که به او گفت دیوار بیت را خراب کن تا به میراث اسکندر دست یابی. او چون بیدار شد دستور به خراب کردن دیوار دیر داد. سپس محمدبن خالد مهندس^۳ با چهارصد کارگر اساس دیوار را برکند تا به صندوقی رسیدند. چون آنرا گشودند صندوقی طلائی در آن یافتند و در آن صندوق کتابی بود که سیصد و شصت برگ داشت به زبان یونانی و رومی نوشته شده بود. معتصم امر به ترجمه داد. چون اهل ترجمه حاضر شدند، اولین چیزی که ترجمه کردند آن بود که در پشت کتاب نوشته بود که «این کتاب ذخیره اسکندر بن فیلقوس ذوالقرنین است و این کتابت انفس واعز است از هر چه در روی زمین است از انفاس و برتو باد که تا انقراض عالم چنان کنی که دست جاهل و نا اهل بدان نرسد و...». این کتاب بعدها از زبان عربی به فارسی ترجمه شده است. رساله‌ی ذخیره اسکندر دارای ده فصل یا فن به شرح زیر است^۴:

فن اول: در اصول و مقدمات که محتاج الیه علم است

فن دوم: در اصول صنعت و تدبیرات و اکسیرات

فن سوم: در ترکیب کردن سمها

فن چهارم: در تریاقاتی که دافع سمهاست

فن پنجم: در صفت و صنعت خرده طلسمیه که نافع است از امراض عسره البر، که دشوار برطرف شود

فن ششم: در خواتم کواکب هفت گانه

فن هفتم: در فنون مختلفه از طلسمات

فن هشتم: بخورها و بابهای دوستی و دشمنی

فن نهم: در ذکر خاصیت‌هایی که متعلق به نبات مستحیله اس

فن دهم: در ذکر خواص اعضای حیوانات

۴-۳- مؤلف ذخیره اسکندر

درباره‌ی مؤلف ذخیره اسکندر، اطلاعات درستی در دست نیست. برخی آن را منسوب به ارسطو- حکیم نامدار یونانی- دانسته اند. چنانچه نام وی هم در آغاز رساله ذکر شده است. در جای دیگری در سرشناسه نسخه عربی آن به شماره کتابشناسی ملی ۳۷۹۷۳۴۶ کتابخانه و مرکز اسناد ملی، نام انطیوخوس به عنوان نویسنده‌ی متن ذخیره اسکندر، ذکر شده است. همچنین این رساله با نام کتاب هرمسی ذخیره اسکندر، در ردیف آثار بلینوس (بلیناس) حکیم یونان باستان آمده و گفته اند که ارسطو آن را (کتاب ذخیره اسکندر) از آپولونیوس^۵ گرفته و به اسکندر داده است. بر این اساس، هر چند در هیچ

۳. با جستجو در منابع موجود، توضیحی برای آنها یافته نشد.

۴. نگارش واملائی این فنون، آن گونه که در متن اصلی نسخه خطی وجود داشت، عیناً بازنویسی شده‌اند

۵. ریاضیدان و ستاره شناس یونانی که از (۲۵۰-۲۲۰ ق م) در شهر پرگا در آسیای صغیر (ساحل جنوبی ترکیه امروزی) در زمان سلطنت بطلمیوس به دنیا آمد. او کسی است که هندسه یونانی را کامل کرد.

منبعی به طور صریح و روشن به نام مؤلف و پدیدآورنده، اشاره نشده است، لیکن با توجه به مطالعاتی که در این باره توسط نگارندگان انجام شد، به احتمال زیاد رساله مذکور به ارسطو منسوب باشد. زیرا زمانی که اسکندر ۱۳ ساله بود فیلیپ، پادشاه مقدونیه، ارسطو را برای آموزش فرزندش اسکندر، به دربار خود دعوت نمود. ارسطو شروع به تربیت وی کرد و حدود ۱۲ سال به این کار مشغول بود. با اینکه اسکندر آدم دیکتاتور و جنگجویی بود ولی همیشه آداب و آیین استادش را به جا می‌آورد و برای ارسطو احترام خاصی قائل بود. ارسطو از حمایت‌های همه‌جانبه و فراوان اسکندر برخوردار بوده است؛ به طوری که با کمک‌های او موفق به تأسیس اولین باغ وحش تاریخ شد. با مرگ اسکندر در سال ۳۲۳ ق. م، آتنی‌ها بر علیه حکومت مقدونی شورش کردند. ارسطو نیز از اثرات این شورش در امان نماند.

۵- کلیات تحقیق

۵-۱- تعریف مسئله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق

بازخوانی، تصحیح، و نگارش تعلیق بر نسخ خطی، با هدف احیاء آثار ادبی و فرهنگی و معرفی هویت علمی و فرهنگی، در حقیقت نگاهی دوباره و از سر تعقیق و ژرف‌نگری در شناسنامه‌ی ملی ایران، یکی از پژوهش‌های ارزشمند و خطیری است که می‌تواند گامی مؤثر در جهت شناساندن آثار ادبی و فرهنگی یک ملت به شمار آید. هریک از متون منظوم و منثوری که از گذشتگان برای ما مانده است، گنجینه‌ای ارزشمند است که لازم است احیاء گردد. تصحیح انتقادی متون، چندین دهه است در کشورمان معمول شده است. اهمیت تصحیح متون از چند جهت است: یکی اینکه؛ هر متنی حاوی لغات و اصطلاحاتی است که ممکن است در فرهنگ‌نامه‌های فارسی ذکر نشده باشد. تصحیح و چاپ متون می‌تواند رافع این نقیصه باشد. دیگر اینکه؛ هر متنی دارای ویژگی‌های زبانی و دستوری خاص خود است و می‌تواند حلقه‌ای از حلقه‌های تکوین زبان فارسی باشد. نکته مهم دیگر؛ احتوای هر متن بر مسائل اجتماعی روزگار مؤلف است.

رساله‌ی ذخیره اسکندر ذوالقرنین - که موضوع آن علوم غریبه است - یکی از متون نثر فارسی است که در حوزه‌ی فرهنگ عامه جا دارد. این متن همچون متون مانند خود، گرچه نثری ساده دارد، اما وجود پاره‌ای ویژگی‌های زبانی در آن و نیز از جهت اینکه این‌گونه متون حاوی آرزوهای سرکوفته مردم است، مفید و شایان توجه است. پرداختن به این متن بیشتر از این جهت بوده است.

۶. اغلب مطالب برگرفته از سایت‌های اینترنتی و در داخل متن نسخه ذکر شده است.

- ۵-۲- سوال‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:
- ۵-۲-۱- کدام ویژگی‌های برجسته زبانی در این متن مشهود است؟
- ۵-۲-۲- ارزش لغوی این متن کدام است؟
- ۵-۲-۳- چه نکات اجتماعی برجسته‌ای در این متن دیده می‌شود؟

۵-۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

از صد و اندی سال پیش، توجه ویژه‌ای به تصحیح متون فارسی- اعم از نظم و نثر- شده است و مصّححان برجسته‌ای به این امر مهم پرداخته‌اند. از جمله آن بزرگان می‌توان از مرحوم علامه محمد قزوینی، دکتر محمد معین، سیدجلال الدین محدث ارموی، استاد جلال الدین همائی، استاد بدیع الزمان فروزانفر، نام برد. از جمله متون نثر فارسی که به صورتی زیبا، تصحیح و حاشیه نویسی شده‌اند، می‌توان به التفهیم‌لاوائل صناعه‌التنجیم، تصحیح استاد همائی؛ نفثه‌المصدر، تصحیح دکتر امیرحسین یزدگردی؛ ترجمه سیرت رسول الله، تصحیح دکتر اصغر مهدوی؛ کتاب النقص، تصحیح و تعلیقات سیدجلال‌الدین محدث ارموی و مجالس المؤمنین، تصحیح پژوهشگران آستان قدس رضوی، اشاره نمود.

۵-۴- فرضیه‌ها

- ۵-۴-۱- از لحاظ آرایش واژگانی، می‌توان به جابجایی قیدها در جاهای مختلف جمله اشاره کرد. (آوردن قید، گاه در ابتدا و گاه در انتهای جمله).
- ۵-۴-۲- این متن حاوی اصطلاحات و واژه‌های حوزه علوم غریبه و فرهنگ عامّه است که بعضاً در فرهنگنامه‌ها و واژه‌نامه‌ها ضبط نشده‌اند.
- ۵-۴-۳- بعضی از آداب و رسوم اجتماعی در خلال نوشتن ادعیه‌ها در این متن دیده می‌شود. مانند: روش‌ها و آداب درمان بیمار.

۵-۵- چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

ارائه متنی شایان اعتماد برای ارجاع کسانی که در آن حوزه، پژوهش می‌کنند و یا فرهنگ‌نویسانی که بخواهند واژه‌های آن را در فرهنگها وارد کنند و یا محققانی که بخواهند درباره‌ی دستور تاریخی و تحول زبان تحقیق کنند.

۵-۶- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش، ابتدا متن منثور بازنویسی و تصحیح شده. سپس لغات و واژه‌های دشوار و اصطلاحاتی که مبهم بودند و نیاز به توضیح بیشتری احساس می‌شد، با مراجعه به فرهنگنامه‌ها و کتابهای دیگر و با استفاده از منابع در دسترس، آنها را استخراج نموده، ابهامات آنها برطرف شده است. همچنین سعی شده موارد املائی و علائم نگارشی که رعایت نشده بود، اصلاح شوند.

۵-۷- روش انجام تحقیق

تصحیح متن منثوری است که ظاهراً تاجایی که جستجو شده است - نسخه دیگری ندارد. بنابراین، با تکیه بر نسخه‌ی اساس و البته با استفاده از کتابهای دیگری از این دست، مقایسه صورت گرفته است.

۵-۸- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در آغاز به جستجوی آثاری که در زمینه‌ی تصحیح و تعلیقات نسخ خطی وجود داشت و نیز به مطالعه درباره‌ی چگونگی تصحیح متون و نسخ خطی پرداخته و چند کتاب، مقاله و مطلب پیرامون تصحیح متون خطی از قبیل: نقد و تصحیح متون، اثر نجیب مایل هروی و راهنمای تصحیح متون، اثر جویا جهانبخش و مطالبی دیگر مطالعه و نکات مهم را یادداشت کرده، پس از اطلاع و آگاهی اولیه درباره‌ی تصحیح نسخ خطی، متن نسخه استنساخ و بازنویسی شده است. سپس با تحقیق در متن، خصوصیات املائی نسخه و ویژگی‌های ادبی و بیانی و محتوای آنرا استخراج، و پس از تصحیح متن، تعلیقات لازم آمده است.

۶- ویژگی‌های املائی، سبکی و زبانی اثر

۶-۱- ویژگی‌های املائی

ویژگی‌های املائی و رسم الخطی اثر، به ترتیب کثرت استعمال^۷ آورده شده، در ادامه به نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها اشاره شده است. لازم به یادآوری است به منظور تسهیل در خواندن متن در تصحیح نسخه، سعی شده است املائی واژه‌ها به شکل رسم الخط امروزی بازنویسی شوند.

- اغلب حرف «آ» در متن نسخه به شکل «ا» و بدون علامت مد نوشته شده است.
- نگارش حرف «گ» بدون سرکش و به شکل «ک»
- حرف اضافه‌ی «به» به متمم بعد از خود متصل شده است.

۷. با توجه به کثرت نمونه‌ها سعی شده به مواردی برای فهم مطلب اشاره شود.



- استفاده از «ة» تأنیث به جای «ت» به قاعدهٔ زبان عربی .
- اتصال کلمات و اصطلاحاتی که به «ه» نشانه کسره ختم می‌شوند در هنگام جمع بستن با علامت جمع (ها) و حذف «ه» جایگزین کسره می‌شود. مانند؛ «نشانهای» که شکل درست آن «نشانه‌های» می‌باشد.
- اتصال ضمیر و صفت اشاره به کلمه بعد از خود، مانند: آندیر.
- دربرخی جاها حرف «ذ» به صورت «ز» آمده است. مانند: زخیره اسکندر
- پیوسته نوشتن پیشوندهای فعلی به فعل. مانند: میدهند
- دیگر اغلاط: مثال؛ به کاربردن «خُرد» به جای «خورد» / سر و دنب ، «دنب» به جای «دم»

۶-۲- ویژگی های زبانی

- به کار بردن شکل قدیمی لفظ «پانجده» به جای «پانزده»
- فاصله افتادن میان اجزای گروه. مانند: «حدوث آن از آفتاب، امریست ظاهر» که در اصل «امرظاهری است» می باشد و فعل «است» درمیان صفت و موصوف فاصله انداخته است.
- صرف فعل مضارع از مصدر «سرشتن» که امروزه کاربرد ندارد. مانند: بگیرد زرنیخ شسته را با دو برابر آن زبیق، ملغمه کند یعنی بسرشد.

۶-۳- ویژگی های سبکی

- آن است که گاه فعل را از مخاطب به غایب برمی گرداند^۸؛ مانند: پس بستان از آهن چینی پارچه ای و بساز از آن صورت مرغی دراز منقار... و نقش کند برآن این حروف... و نقش کند در زیر شکم آن صورت ملخی.
- استعمال شکل قدیمی ماضی استمراری: ...اگرچنین بودی بایستی که حصار دیرچنین ساختندی.
- استعمال کلمه‌ها و ترکیب‌های عربی کم کاربرد.
- به کار بردن ضمیر «او» برای غیر ذی‌روح، یادآور سبک خراسانی و متون نثر قرن چهارم و پنجم است. مانند: ...تا نزدیک شوند به آفتاب و به او لاحق شوند.
- استعمال واژگان و اصطلاحات ثقیل علوم مختلف. نظیر: علوم غریبه، علم هیئت و نجوم و اصطلاحات واژه‌های رومی و یونانی. مانند: سطیطیالیطوس عبالالوس، اثناسیایش.
- استعمال واژه ها و جمله های عربی که در فارسی به صورت شبه جمله به کار می روند. مانند: ان شاءالله
- استعمال بسیاری از حروف اضافه در معانی متفاوت. مانند؛ «به» در معنی «برای» مثال: ...این خانه را

۸. سراسر متن مشحون از این ویژگی است



به هزل نساخته.

- تقدیم فعل بر سایر ارکان جمله، مثال؛ ...و فرمود اهل آن دیر را...

- به کار بردن علامت «ء» نشانه بیان حرکت کسره به جای «ی» نکره و «ای» مانند: «خانهء» به جای «خانه ای».

۷- نتیجه گیری

تصحیح متون از این جهت ضرورت دارد که تا زمانی که متن مصحح و منقح از یک اثر عرضه نشود، هر پژوهشی صورت گیرد باید آن را با قید احتیاط تلقی کرد. زیرا تا متنی به صورت درست تصحیح نشود، نه می توان لغات آن را وارد فرهنگ لغات کرد و نه می توان آن را از لحاظ تحول زبانی بررسی و به محتویات آن استناد کرد. زیرا پیش آمده است که در متون چاپ شده بخشی از نسخه ای ساقط بوده و ناشر متوجه نقص آن نشده و آن را به همان صورت به بازار کتاب روانه کرده است. با تصحیح این اثر، گامی هر چند کوچک در جهت حفظ یکی از آثار مکتوب فارسی برداشته شده است که می تواند مورد استفاده دانشجویان و محققان ادب فارسی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

اصغری هاشمی، محمدجواد (۱۳۸۸)، شیوه نامه تصحیح متون، راهنمای تحقیق و احیای متون خطی، قم: نشر دلیل ما.

انجمن عربی و فارسی، (۱۹۵۶م)، فرهنگ لغت عربی به فارسی، لاهور پاکستان: نشر لاهور دانشگاه پنجاب.

انصاری شیرازی، علی بن حسین (۱۳۷۱)، اختیارات بدیعی، (تصحیح و تحشیه محمدتقی میر)، چ اول، تهران: شرکت دارویی پخش رازی.

بهار، محمدتقی (۱۳۷۵)، سبک شناسی، ۳ج، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

بیانی، مهدی (۱۳۵۳)، کتابشناسی کتابهای خطی، تهران: انجمن آثار ملی.

ثروت، منصور (۱۳۷۹)، روش تصحیح انتقادی متون، تهران: نشر پایا.

جمالی یزدی، مطهرین محمد قرن ۶ (۱۳۸۶)، فرخ نامه، دایره المعارف علوم و فنون و عقاید، (به کوشش ایرج افشار)، تهران: مؤسسه و انتشارات امیرکبیر.

جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۳)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، (زین نظر کاظم موسوی بجنوردی) تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

جهانبخش، جويا (۱۳۷۸)، راهنمای تصحیح متون، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.



خلیفه، بهمن (۱۳۸۷)، نسخه‌های خطی در اینترنت؛ فهرستواره‌ی گزیده نسخه‌های خطی مجموعه کار و میناسیان، کتابخانه دانشگاه vcla، کتاب ماه ادبیات.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳-۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، چ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

سمیعی (گیلانی)، احمد (۱۳۷۵)، شیوه‌نامه دانشنامه‌ی جهان اسلام، چ دوم، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی. شیرازی، میرزا فضل الله، متخلص به خاوری (۱۳۸۰)، تاریخ و ذوالقرنین، (تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

الطهرانی، العلامه شیخ آقابرگ (۱۴۰۳ ه.ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت: انتشارات دارالاضواء.

عظیمی، حبیب الله (۱۳۸۷)، کاغذ در نسخه‌شناسی و کتاب‌پردازی نسخ خطی، تهران: آدینه میراث.

----- (۱۳۸۹)، اصول و مبانی نسخه‌شناسی در کتب خطی، تهران: سازمان اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

فدایی، غلامرضا (۱۳۸۶)، آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت).

فروهر، نصرت الله (۱۳۷۹)، روش تصحیح نسخه‌های خطی، تهران: کیهان فرهنگی سال هفدهم، ش مسلسل ۱۶۵.

کیوانی، مجدالدین (۱۳۷۷)، اسکندرنامه، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، چ هشتم، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، (صص ۳۷۲-۳۶۷).

گرچی، مصطفی (۱۳۹۱)، آئین پژوهش در زبان و ادبیات با رویکرد به منظرهای شش دهگانه، چ دوم، تهران: نشر کلک سیمین.

مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، نقد و تصحیح متون، مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.

----- (۱۳۷۲)، کتاب آرایه در تمدن اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

----- (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

محبوب، محمدجعفر (۱۳۳۸)، داستانهای عامیانه فارسی؛ اسکندرنامه، چ دهم، تهران: انتشارات سخن.

مرعشی، محمود (۱۳۷۹)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چ ۲۸، چاپ اول، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.

----- (۱۳۸۹)، نسخه‌شناسی پژوهش‌هایی در نسخه‌های خطی ایران و جهان، قم: صحیفه و خرد.

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان (۱۳۹۰)، بانک جامع اطلاعات دارویی، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای



قائمیه اصفهان.

معلوف، لويس (۱۳۷۹)، فرهنگ دانشگاهی ۱ «المنجد الابدی عربی به فارسی»، (ترجمه احمد سیاح)، چ
چهارم، تهران: انتشارات فرحان.